

مسئولیت کیفری در حقوق ایران و افغانستان



نکارنده‌گان: عبدالخالق حقانی^۱، دکتر مهدی صبوری پور^۲

چکیده

مسئولیت کیفری در حقوق ایران و افغانستان، دارای اهمیت به‌سزایی است. هرکس به تبع رفتار مجرمانه‌یی که از روی قصد یا تقصیر انجام می‌دهد، باید عواقب رفتار مجرمانه خود را بپذیرد، تا به این طریق، حفظ نظم و امنیت میسر گردد. مسئولیت کیفری در ایران و افغانستان از آن به اهلیت تحمل کیفر برای مرتکب تعبیر شده است، و تحولاتی را نیز شاهد بوده‌است؛ از جمله این که تحمیل مجازات ملایم‌تر شده است. بناءً بر آن شدیم در این پژوهش با کمک از منابع کتابخانه‌یی و استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، به هدف شناخت تطبیقی مفهوم مسئولیت کیفری، پایه‌ها، شرایط اجبابی و سلبی مسئولیت جزایی و دگرگونی آن در حقوق این دو کشور را به بررسی بگیریم. در حقوق افغانستان مسئولیت جزایی و تطبیق جزا به شخصی متوجه می‌گردد، که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، عمل جرمی را مرتکب شود. نکات اشتراک دو کشور در این امر معمولاً عقل و اختیار بوده‌است. نکات افتراق در ایران سن مسئولیت کیفری بلوغ از دیدگاه اسلام، و در قوانین وضعی افغانستان سن ۱۸ سال معیار قرارداده شده است، که برای مسئولیت کیفری کامل مورد توجه است. در نظام حقوقی هر دو کشور مسئولیت کیفری تحولاتی را شاهد بوده است. هدف بازپرسی با هدف اجتماعی کردن بزه‌کاران به اعمال سیاست ملایم و بخشش منتهی شد و با تسلط مجدد طالبان در افغانستان، قوانین موضوعه بخش جزایی لغو اعلام شده است.

واژه‌گان کلیدی: افغانستان، ایران، تحول، حقوق کیفری، مسئولیت.

^۱ دانش‌جوی دکتری حقوق کیفری، پوهنتون/ دانش‌کده حقوق، پوهنتون/ دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران، و استاد پوهنتون/ دانشگاه جامی، هرات، هرات، افغانستان (نویسنده مسؤول: Abdulkhalik.herawi@gmail.com)

^۲ استادیار گروه حقوق کیفری، پوهنتون/ دانش‌کده حقوق، پوهنتون/ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (m-sabooripuor@sbu.ac.ir)

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.1.4.7>

Received: 14/ 08/ 2023

Accepted: 13/ 12/ 1402

PP: 123-144

Ghalib

Criminal Responsibility in the Laws of Iran and Afghanistan



Authors: Abdulkhaleq Haqani^{1*}, Dr. Mehdi Sabouripour²

Abstract

Criminal responsibility in the laws of Iran and Afghanistan has some sort of similarities and differences. It is based on the principle that individuals who commit an intentional crime with the required mental capacity can be held criminally liable. However, the imposition of milder punishments has been observed as a development in criminal responsibility in both Iran and Afghanistan. In this study, using library resources and employing an analytical-descriptive method, we aim to comparatively examine criminal responsibility, its foundations, justifications, and legal consequences, as well as its transformation in these two countries. In Afghan law, criminal responsibility and the imposition of punishment are attributed to a person who commits a criminal act with free will, sound mind, and perception. The common points between the two countries usually include the elements of rationality and free will, while the distinguishing factors are the age of criminal responsibility. Criminal responsibility in Iran is based on reaching the age of maturity, while in Afghanistan, ages 13, 15, and 18 are considered for full criminal responsibility. In the legal systems of both countries, criminal responsibility has undergone transformations, aiming at rehabilitating offenders through social integration, employing leniency policies, and forgiveness. With the Taliban's control in Afghanistan, certain provisions of criminal law have been abolished.

Keywords: Afghanistan, Iran, Transformation, Law, Criminal Responsibility responsibility.

^{1*} Ph.D student of Criminal Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, and professor at Jami University, Herat, Herat, Afghanistan (Corresponding author: Abdulkhaliq.herawi@gmail.com)

² Assistant Professor, Department of Criminal Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (m-sabooripour@sbu.ac.ir)



۱. مقدمه

مسئولیت کیفری به شرایط شخصی و ذهنی مرتکب گفته می‌شود، که با وجود وقوع جرم، موجب مجازات فاعل آن می‌شود. در کُد جزای افغانستان، مسئولیت جزایی را یک امر شخصی دانسته و مقید به موجودیت اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، مرتکب موجب مجازات می‌داند. اصولاً انسان در مقابل اعمال خلاف اصولی که از او سر می‌زند، مسئولیت دارد و این مسئولیت نشئت گرفته از قدرت تکلیف‌پذیری، عقل، ادراک و قوه اختیار و انتخاب است، که هر انسان در انجام کارهای خودش از آن بهره می‌برد. واژه مسئولیت با تکلیف و وظیفه هم‌قطار است. اهمیت موضوع مسئولیت جزایی و نقشی که این موضوع در تعیین کیفر دارد، به این دلیل است که سرنوشت مجرم در گرو آثار و شرایط آن است، که باعث اعمال مجازات می‌شود، و یا هم رایت فرد در صورت وجود عوامل مواجهه یا رافع مسئولیت کیفری همین امر، مسئولیت را به یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مباحث حقوق جزایی تبدیل کرده است.

مسئولیت کیفری در ایران و افغانستان شاهد تحولاتی بوده است، که به‌طور مختصر در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. اسناد حقوقی ایران ماده ۱۴۰: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵)».

در عنوان فصل هشتم قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، «مسئولیت جزایی»، در مفهوم بالفعل و واقعی به‌کار رفته است؛ زیرا هر یک از علل مندرج در ذیل فصل هشتم به‌نحوی از «اجبار متهم به تحمل مجازات» جلوگیری می‌کند. برای مثال، زمانی که اثبات شود متهم در حال دفاع مشروع یا جنون به ارتکاب قتل مبادرت کرده، در وضعیت نخست به خاطر زوال وصف مجرمانه از عمل و در حالت دوم به خاطر وضعیت خاص شخصی، در ازای «ارتکاب قتل» «مجبور» به تحمل مجازات اعدام نخواهد بود، و این یعنی که متهم فاقد مسئولیت کیفری (به مفهوم واقعی و بالفعل) در برابر عمل ارتكابی است.

مقنن ۱۳۰۴ هر چند واژه مسئولیت جزایی را در عنوان فصل هشتم به‌کار نبرده است، اما از استفاده و کاربرد واژه «مجازات» بر می‌آید، که در صدد احصاء عواملی بوده که «مسئولیت واقعی» را زایل می‌سازد.

اسناد حقوقی افغانستان همه به جای مسئولیت شرایط آن را تذکر داده است (کُد جزا، مصوب ۲۵ ثور سال ۱۳۹۶ و نافذ ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۹۶).

قانون جزا مصوب ۱۳۵۵ در ماده ۶۵ مسئولیت جزایی را مشروط کرده است، به کسی که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود (قانون جزا، ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۵). به همین ترتیب در نظامنامه جزای عمومی، مصوب ۱۳۰۲، که درحقیقت اولین قانون جزای افغانستان است، در قاعده دوم جرایمی را برای مرتکب مستحق مجازات معرفی نموده است، که جنایت یا جناحه و یا قباحت باشد؛ اما در مورد شرایط تحقق مسئولیت کیفری قاعده ۲۵ چنین صراحت دارد، که فرد مرتکب جرم اگر در حین انجام جرم جنت یا دیوانه‌گی داشت از مجازات معاف است، و در قاعده ۲۶ انجام جرم را مقید به رضایت نموده است که در عدم رضایت، مرتکب را مستحق مجازات نمی‌داند. در قاعده ۲۷ دفع ضرر از خود که همان دفاع مشروع در کُد جزا نام گرفته شده را نیز موجب معافیت از مجازات دانسته است. از مفهوم مخالف این قواعد چنین دانسته می‌شود که فردی مستحق مجازات است، که حین انجام جرم دارای عقل رضایت و اراده، هم‌چنان تحت اجبار و اکراه دیگری نباشد. (نظامنامه جزای عمومی ۱۷ میزان ۱۳۰۲ قاعده‌های ۲۵ تا ۲۷).

این تحقیق به چند هدف مورد بررسی و تفحص قرار می‌گیرد: بررسی تحولات مسئولیت کیفری در حقوق ایران و افغانستان، نکات اشتراک و افتراق. به‌عنوان یک تحقیق متفاوت و منبع برای محققین درین زمینه، و جهت راه‌یابی به دفاع پایان‌نامه جهت ختم این مقطع تحصیلی دکتری. به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که مسئولیت کیفری در ایران و افغانستان چه تفاوت و نکات اشتراک دارد؟ و هم‌چنان چه تحولاتی را شاهد بوده‌است؟

در این نوشتار در گام نخست مطالعه نظری روش جمع‌آوری اطلاعات بیش‌تر کتابخانه‌ای بوده، دیدگاه‌ها و نظریات مختلف حقوق‌دانان و نویسندگان از کتب و مقالات قابل دسترسی جمع‌آوری شده، و در بخش مطالعه چه‌گونه‌گی تحولات مسئولیت کیفری در افغانستان و ایران مورد توجه قرار گرفته است.

انگیزه تحقیق این مقاله، زیر این عنوان در واقع شناخت بیش‌تر نکات اشتراک و افتراق مسئولیت کیفری در حقوق افغانستان و ایران می‌باشد. در ایران و افغانستان مسئولیت کیفری تحولاتی را شاهد بوده است، که به مرور زمان و ایجاد تحول، قوانین کیفری ملایم‌تر شده است. که

در گذشته مجازات اعدام بیش تر و حالا، اگرچه این ملایمت کافی نیست، اما کم رنگ تر گردیده است. مسؤولیت کیفری تحولاتی داشته و معنای کلی مسؤولیت جزایی، به معنای تقبل آثار و نتایج زیان بار افعال مجرمانه است (میرسعیدی، ۱۳۸۶: ۲۱). از سوی دیگر، در بحث مسؤولیت جزایی، از شرایط ایجابی مسؤولیت صحبت می کنند، که منظور اجزای تشکیل دهنده قابلیت انتساب می باشد، و قابلیت انتساب مسأله ای است که در مورد شخص مرتکب عمل مجرمانه مطرح می شود. با موجودیت جمع شدن عناصر جرم، مرتکب باید توانایی و اهلیت لازم برای انتساب جرم و در نتیجه مجازات را داشته باشد، تا مسؤولیت جزایی به آن منتسب گردد (صانعی، ۱۳۸۴: ۷۳). حقوق جمع واژه حق، مجموعه قواعدی است که از طریق مؤسسات اجتماعی یا دولتی، جهت تنظیم رفتار ایجاد و اعمال می شود.

در مقابل شرایط ایجابی مسؤولیت، شرایط سلبی آن قرار دارد، که از آن تحت عنوان موانع مسؤولیت یاد می کنند. جرم همیشه با تجمع سه عنصر تشکیل دهنده آن تحقق می یابد، با این حال بخاطر وجود حالت یا شرایط خاص، در مرتکب عمل مجرمانه، قانون گذار جرم ارتكابی را قابل انتساب به او ندانسته، و او را از مجازات معاف می دارد. در هر دو کشور مجازات سنگین تر بوده، که به مرور زمان و تعدیل قوانین ملایم تر شده است. اگر چه در مورد مسؤولیت کیفری و تحولات آن در حقوق ایران و افغانستان آثاری به طور جداگانه به نشر رسیده است که از جمله: ولیدی محمد صالح، (۱۳۸۳). حقوق جزاء (مسؤولیت کیفری)، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، در ایران و گند جزا مصوب ۱۳۹۶ در افغانستان؛ اما به صورت تطبیقی و زیر چنین عنوان هنوز کاری صورت نگرفته است که با موجودیت مشکلاتی در بخش دسترسی به منابع کافی تلاش می کنم تا حداقل کار مؤثری در این زمینه انجام دهم.

۲. مفهوم شناسی

برای شناخت مفهوم هر واژه، نیاز است تا در مورد آن توضیحاتی ارائه و تعریفی از آن صورت گیرد.

۲-۱. مفهوم لغوی مسؤولیت

در کتاب های فرهنگ لغت زبان های مختلف، مسؤولیت به معنای قابل بازخواست بودن انسان آمده، و غالباً به مفهوم تکلیف، وظیفه و آنچه انسان عهده دار آن باشد تعریف شده است؛ چنان که در فرهنگ

جامع نوین عربی به فارسی، مسئولیت به معنای قابل بازخواست و مسؤول به معنای جواب‌ده آمده است. در فرهنگ لغت عربی المنجد مسئولیت از سئل و به معنای آنچه مورد سؤال قرار می‌گیرد (ما یستل) تعریف شده‌است (معلوف، ۱۹۷۶: ۳۱۶). در فرهنگ فارسی معین مسؤول به معنای، چیز خواهش شده آمده است. کسی که فرضیه‌یی بر ذمه دارد، که اگر عمل نکند از او بازخواست شود، و مسؤولیت به معنای مسؤول‌بودن و مؤظف‌بودن به انجام امری است (۱۳۶۲: ۴۰ - ۷۷). در مفردات راغب در تعریف مسؤولیت آمده‌است: سؤال به معنای خواهش، درخواست و پرسش است؛ چنان‌که گفته شود (سالت عن حاله) از حالش پرسید و یا (سالت بكذا)، او چنین پرسید؛ یَسْئَلُكَ عَنِ الْأَفْعَالِ در مورد افعال از تو می‌پرسند و مسؤول به معنای قابل بازخواست ذکر شده است.

در فرهنگ فارسی عمید، مسؤولیت عبارت است از آنچه انسان عهده‌دار و مسؤول آن باشد، و مسؤول به معنای پرسیده‌شده و خواسته‌شده آمده‌است (۱۳۶۲: حرف م)؛ بنابر آنچه که در ترمینولوژی حقوق آمده است، مسؤولیت عبارت است از: تعهد قانونی شخص، بر رفع ضرری است که به دیگری وارد کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۹۵۰). از نظر فرهنگ فارسی نفیسی، مسؤول کسی است که از وی سؤال کنند و درخواست نمایند؛ به‌هرحال، بررسی معانی لغه‌وی و اصطلاحی مسؤولیت ملازمه این کلمه را با تعهد و تکلیف، آشکار می‌سازد؛ ولی این معنا به تنهایی نمی‌تواند مفاهیم گوناگون و ابعاد مختلف و مصطلح مسؤولیت را بازگو کند (۱۳۱۷: ۳۳۲۹). اینک ارتباط منطقی بین عوامل یادشده را تحت عنوان کلی مسؤولیت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲-۲. معنای اصطلاحی مسؤولیت

برای این که مفهوم مسؤولیت از نظر کلی مصداق پیدا کند، به‌وجود دو دسته از عوامل و شرایط ضرورت دارد؛ دسته اول، عوامل ابتدایی یا مقدمات مسؤولیت؛ و دسته دوم، شرایط مسؤولیت است، که به ترتیب به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. مسؤولیت کیفری پیامد نقض تکلیفی است، که انسان‌ها به رعایت آن ملتزم شده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۶). به کیفر رساندن (مجازات کردن)، به کیفر رسیدن (مجازات دیدن) و (مکافات یافتن)، کیفر دیدن (مجازات یافتن)، (دهخدا، حرف ک).

افغانستان و ایران دو کشور اسلامی هستند، که حقوق‌شان مقید به قید تطابق با اسلام است، بناءً خوب است تا واژه مسؤولیت از دیدگاه قرآن کریم نیز به‌طور خلاصه توجه شود.

۲-۳. مسؤولیت در قرآن کریم

در قرآن کریم، راجع به مسؤولیت و مشتقات آن آیات فراوانی وارد شده است. به طور کلی شأن نزول، مفاهیم و موارد استفاده مسؤولیت را در بعضی از این آیات می توان به این ترتیب مورد مطالعه قرار داد: اثر وضعی اعمال و رفتار آدمی از جمله در آیه ۳۸ سوره مدثر آمده است «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ / هر کس درگیر اعمال و دست آورد خویش است»؛ «أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (البقرة: ۲۰۲). در منطق قرآن، افعال ارادی انسان معیار سنجش مسؤولیت قرار خواهد گرفت، و هر نوع اعمال و رفتار انسان با حساب گری دقیق محاسبه می شود. هر عملی دارای عکس العملی متناسب است؛ به همین جهت در روز قیامت هر انسانی در مقابل آنچه که به دو دست خویش به انجام رسانیده است جواب گو خواهد بود.

پرشش از ماهیت پدیده ها مورد بازخواست قرار گرفتن در قرآن کریم مورد توجه است؛ از جمله در آیه ۵۶ و ۹۳ سوره نحل و آیه ۲۴ سوره صافات و آیه ۲۳ انبیاء آمده است: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ / هیچ کس نمی تواند بر کار او خرده بگیرد، ولی کارهای آنها مورد سؤال قرار می گیرند».

۳. انواع مسؤولیت

مسؤولیت دارای انواع متعددی است و به طور خلاصه به هر یک اشاره می شود:

۱-۳. شخصی بودن مسؤولیت

در قانون اساسی افغانستان، که آخرین و معتبرترین قانون وضعی در کشور است، مسؤولیت از جرم را عمل شخصی و غیر قابل سرایت به دیگران معرفی کرده است. چنان که در ماده ۲۶ چنین صراحت دارد: «جرم یک عمل شخصی است، تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند» (۱۳۸۲). هم چنان کُد جزا با تبعیت از قانون اساسی چنین صراحت دارد: «جرم عمل شخصی است و جزای مرتکب بر آن به شخص دیگری سرایت نمی کند».

۲-۳. مسؤولیت به قدر توان

خداوند کریم هیچ کس را بیش از قدرت و توانایی اش مسؤول قرار نخواهد داد، چنان که در سوره بقره می فرماید: «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا / کسی جزء به اندازه وسع و توانایی اش مکلف نیست»

(البقرة: ۲۸۶). حتا در مورد پرداخت نفقه زوج جز به اندازه توانایی و آنچه به او عطا شده مکلف نیست، و به این ترتیب طبق قرآن کریم، مسئولیت و انجام تکلیف هیچ‌گاه افزودن از توانایی و طاقت از کسی خواسته نخواهد شد.

آنچه از مجموع مفاهیم آیات فوق و سایر آیات دربارهٔ مسئولیت در قرآن کریم آورده، استفاده می‌شود، این است که در منطق قرآن کریم نظام هستی بر پایهٔ تکلیف‌پذیری و مسئولیت انسان استوار شده؛ و فلسفهٔ آفرینش پدیدآوردن انسان‌های آگاه، متفکر و مسؤول است. رمز مسئولیت انسان نیز متکی بر توانایی‌ها، استعداد، آگاهی، نیروی اراده، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب اوست. در نتیجه هر کس در انجام تکالیف فردی و اجتماعی‌اش در حدود استعداد و توانایی و آگاهی، که از رفتار خود دارد مسؤول خواهد بود.

۳-۳. مسئولیت اخلاقی

اخلاق فردی یا مسئولیت اخلاقی، شامل آن دسته از قواعدی است، که وظایف انسان را نسبت به نفس خویش معین می‌کند. عدم رعایت بعضی از قواعد اخلاقی و فردی علاوه بر پشیمانی درونی، به جهت آن که دارای مفساد ضرر و زیان، شخصی و اجتماعی است، در قالب نظامات جزایی با رعایت شرایطی موجب مسئولیت جزایی مرتکب آن خواهد شد (یزدی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

۳-۴. مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی شامل آن دسته از وظایف و تکالیفی است، که هر فردی در ارتباط با سایر هم‌نوعان خود، و در حیات جمعی عهده‌دار خواهد شد. بدیهی است که تخلف از اصول و قواعد اخلاق اجتماعی که غالباً از طریق قانون‌گذاری حمایت می‌شود، در اکثر موارد علاوه بر ندامت موجب مسئولیت جزایی می‌گردد (متین، ۱۳۸۲: ۲۱).

۴. مفهوم مسئولیت کیفری

در تعریف مسئولیت جزایی اتفاق نظر وجود ندارد؛ با این حال، می‌توان تعریف‌های گوناگونی را که حقوق‌دانان برای آن ارائه داده‌اند، به یکی از تعاریف زیر ارجاع داد:

الزام شخص به پاسخ‌گویی در برابر تعرض به دیگران؛ خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد، و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود؛ به هر حال، مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخ‌گویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. در واقع مسئولیت کیفری پُلّی است میان جرم و مجرم؛ یعنی، عملی که جرم تلقی می‌شود باید به نحوی به یک شخص منتسب شود، این شخص همان مجرم است. از دیدگاه حقوق کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست؛ بل که برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسؤول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است، که شرایطی با هم جمع شوند که عبارت‌اند از: الف. وقوع رفتار مجرمانه، که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشئت گرفته باشد، و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم‌گیری او را مشخص کند. ب. عمل مجرمانه‌یی که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، به صورت عینی تحقق یافته است، باید حاکی از قصد مجرمانه مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او باشد. ج. برای این که مرتکب جرم را مسؤول بشناسیم، علاوه بر اراده، ارتکاب جرم و قصد مجرمانه، باید بین جرم انجام‌یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد (معظمی، ۱۳۸۸: ۴۸).

به‌طور کلی هر کسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند، لزوماً مسؤول شناخته نمی‌شود، بل که علاوه بر تحقق اراده ارتکاب جرم و انجام جرم، باید دارای شرایط و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفری مسؤول شناخته می‌شود، که مسبب و علت حادثه‌یی باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد و منسوب نمود. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت‌دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم گردد، که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی، نیروی اراده و اختیار، دارای چنان شرایطی می‌باشد که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام‌یافته و مجرم برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به مجرم احراز می‌شود، و از این جهت به‌طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفری قابلیت انتساب، نسبت‌دادن و اسناد عمل مجرمانه است (محقق هرچقان، ۱۳۹۰: ۶۶).

مسئولیت کیفری، مسئولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون را گویند، و شخص مسؤول به یکی از مجازات‌های مقرر در قانون خواهد رسید (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۶۴۲). ماده ۱۴۰:

«مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵).

در افغانستان مسئولیت جزایی وقتی به وجود می‌آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود (م ۶۵، قانون جزا). هرگاه شخصی حین ارتکاب جرم به سبب جنون یا سایر امراض روانی فاقد ادراک و شعور تام باشد، مسئولیت جزایی نداشته، مجازات نمی‌گردد (ماده ۸۷، کد جزا).

۴-۱. ارکان مسئولیت کیفری

ارکان مسئولیت کیفری عبارت‌اند از: اهلیت جزایی و تقصیر. اهلیت جزایی از دو عنصر ادراک و اختیار تشکیل شده است. ادراک در حقوق جزا به معنای قدرت و توانایی بر درک و تمیز ماهیت افعال، آثار، تبعات اخلاقی و اجتماعی که بر آن‌ها بار می‌شود، به کار رفته است (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). با این وصف اگر مجرم مدرک و مختار نباشد، مسؤول اعمال خود نیست. به همین جهت تعریف و تعیین حدومرز مسئولیت کیفری در حقوق کیفری، امری بسیار مهم است. مسئولیت کیفری چند شرط دارد: الف. شخص به سن معینی رسیده باشد. ب. به جنون و حالات شبیه به آن مبتلا نباشد. ج. تحت تأثیر اجبار یا عوامل دیگر اراده‌اش سلب نشده باشد (صانعی، ۱۳۸۴: ۸۳).

۵. مسئولیت کیفری در حقوق ایران

۵-۱. شرایط تحقق مسئولیت کیفری

براساس مواد ۱۴۰ الی ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی برای انتصاب مسئولیت کیفری به هر شخص باید شرایطی محرز شود، که عبارت‌اند از: مرتکب عمل مجرمانه باید دارای حداقل سن قانونی باشد (دخترها ۹ سال تمام و پسرها ۱۵ سال تمام)، شخص نباید مبتلا به جنون و حالات مشابه به آن باشد. عمل انجام‌شده نباید به واسطه اکراه (اجبار) رخ داده باشد، و مرتکب باید دارای قصد و اراده آزاد باشد.

۵-۲. تحولات مسؤولیت کیفری

از قرن ۱۸ به بعد، و به موازات اهمیت یافتن شخصیت فرد در جامعه، در علوم جنایی نیز انسان بزه‌کار و شخصیت وی به‌عنوان یک معما مطرح و شناخت شخصیت بزه‌کاران به یکی از نگرانی‌های مکاتب مختلف جرم‌شناسی تبدیل گردیده، و دیدگاه‌های جدیدی در این ارتباط مطرح شد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). در اثر این دیدگاه‌ها دو تحول عمده در زمینه مسؤولیت کیفری پدید آمد:

الف. فردی‌شدن مسؤولیت کیفری: در دوره بدوی و حتا تا قرون وسطی هویت، و به تبع آن مسؤولیت فردی معنا نداشت؛ لذا مسؤولیت کیفری جمعی بود، و به اعضای خانواده، طایفه یا قبیله هم تسری می‌یافت. ب. شخصی‌شدن مسؤولیت کیفری: تا قبل از قرن ۱۸ مهم‌ترین خصیصه مسؤولیت کیفری، مادی، عینی یا موضوعی بودن آن بود. بدین معنا که به شخصیت و جهات روحی و ذهنی مجرم توجه نمی‌شد، عنصر روانی جرم اهمیت نداشت و مسؤولیت در برابر عنصر مادی جرم محقق می‌شد (نعیمی، ۱۳۸۲: ۸۴).

در جوامع بدوی، مجازات، ضمانت اجرایی بود که جرم ایجاد می‌کرد، و شدت و ضعف آن بسته به میزان اختلالی بود، که جرم در وجدان عمومی ایجاد می‌نمود. بدین ترتیب نتیجه مجازات، بازگرداندن نظم از هم‌گسیخته به حالت اول بود. در نتیجه مجازات متوجه مجرم نبود، بل که متوجه جرم بود و هر جرمی باید مجازات می‌شد. در واقع هرگونه ملاحظه‌یی نسبت به شخصیت مجرم و مسؤولیت وی منتفی بود. در این نظام‌ها نیز باید میان دو روش تفاوت قائل شد: نخست؛ روشی که هدف مجازات را بهبود مجرم می‌داند و مجازات در آن جنبه‌یی کاملاً اخلاقی دارد. دوم؛ روشی که از اندیشه امنیت اجتماعی الهام می‌گیرد و وظیفه مجازات را «تهدیدکننده‌گی» و «عبرت‌انگیز بودن» توصیف می‌کرد (لوی برول، ۱۳۸۸: ۳۰). در این مسیر مسؤولیت کیفری اطفال نیز دست‌خوش تغییر و تحول قرار گرفت و مجازات اطفال متخلف تا حدودی خفیف‌تر از بزرگسالان مقرر گردید؛ البته تا مدت‌ها حدود سنی برای اطفال غیر بالغ تعیین نشده بود.

مکتب کلاسیک حقوق کیفری، که در قرن ۱۸ ظهور یافت، معتقد بود، میزان مسؤولیت مجرم متناسب با درجه فهم و شعور اوست و چون اطفال بزه‌کار به علت صغر سن از فهم کم‌تری برخوردارند؛ لذا قانون‌گذار باید در میزان مجازات آنان به علت صغر سن تخفیف قائل شود (قانون جزای سال ۱۸۱۰ فرانسه بر این اساس حد صغارت را ۱۶ سال تعیین کرد). انتقاد وارد بر این مکتب موجب طرح

دیدگاه نیوکلاسیک‌ها شد. آن‌ها در مورد اطفال بزه‌کار معتقد بودند: الف. دادرسی بدون توجه به سن متهم، صلاحیت و اختیار تام در تعیین قوه تمییز داشته باشد. ب. عدم مسئولیت کیفری تا سن خاصی در قوانین جزایی تصریح و حداقل سن مسئولیت کیفری در آن تعیین شود. مکتب تحقیقی نیز به عوامل بزه‌کاری اطفال توجه و توصیه نمود؛ به‌ترین راه مقابله با اطفال بزه‌کار، تعیین علل بزه‌کاری و تعیین واکنش مناسب باتوجه به شخصیت واقعی طفل معارض قانون است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۴: ۳۸). قوانین کیفری اکثر کشورها باتوجه به یافته‌های علمی این مکاتب بازنویسی و اصلاح شده‌اند.

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ قانون‌گذار باب اول را به کلیات اختصاص داده و طی ۱۰ فصل، قواعد عمومی جزایی را در قالب ۵۹ ماده قانونی بیان داشته است. عوامل رافع مسئولیت شامل صغر، جنون و اجبار علل موجهه جرم مشتمل بر دفاع مشروع و امر آمر قانونی، ضمن مواد ۳۴ تا ۴۲ و ماده ۱۴۰ قانون بیان می‌کند، که مسئولیت کیفری در قصاص، حدود و تعزیرات تنها برای فرد مجرم اعمال می‌شود، که فرد حین ارتکاب جرم بالغ، عاقل و همچنین مختار بوده باشد، به جز اکراه به قتل که حکم چنین موضوعی در مبحث قصاص مطرح شده است. ماده ۱۴۱ قانون نیز چنین می‌گوید: مسئولیت کیفری شخصی می‌باشد.

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ متخذ و مقتبس از قانون جزای ۱۹۱۲ فرانسه بوده است؛ و در این قانون علل زایل‌کننده مسئولیت جزایی به دو دسته تقسیم شده بود؛ یکی علل موضوعی رافع مسئولیت، که گاه از آن به علل موجهه جرم تعبیر می‌شود و دیگر علل شخصی رافع مسئولیت، به ظن قوی مقصود قانون‌گذار از عبارت «موانع مجازات» اشاره به هر دو نوع علل شخصی و موضوعی رافع مسئولیت بوده است. پس واژه مانع به‌عنوان ترجمه انتخاب شده، که در متون جزایی به «عوامل نفی» یا «عوامل رافع» از آن یاد می‌شود. غرض این نیست که نباید پنداشت قانون‌گذار «مانع» و «موانع» را در مفهومی که نزد ما شهرت دارد و در کنار واژه‌های چون «شرط» و «مقتضی» به کار می‌رود، استعمال کرده است. از این توضیحات بر می‌آید که منظور قانون‌گذار از «موانع مجازات»، «علل رافع مسئولیت جزایی» است؛ یعنی عوامل و عللی که مانع از «اجبار فاعل به تحمل مجازات» می‌شوند. پس مقنن ۱۳۰۴ هر چند واژه مسئولیت جزایی را در عنوان فصل هشتم به کار نبرده است،

اما از استفاده و کاربرد واژه «مجازات» بر می‌آید، که در صدد احصاء عواملی بوده که «مسئولیت واقعی» را زایل می‌سازد.

در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، واژه «مسئولیت کیفری» در این قانون به مفهوم مجرد و انتزاعی خود؛ یعنی «اهلیت تحمل کیفر» به کار رفته است. برای مثال در بخشی از ماده اول قانون مذکور می‌خوانیم که مجرمان خطرناک کسانی هستند که سوابق، خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب جرم ارتكابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد، اعم از این که قانوناً «مسئول» باشند یا غیر مسئول...؛ در صدر عبارت، واژه «مجرمان» گویای این است که موضوع بحث ماده، کسانی‌اند که به ارتکاب جرم مبادرت کرده‌اند. در عین حال، ماده قانونی تأکید می‌کند که چنین اشخاصی ممکن است، به سبب برخورداری از بلوغ و عقل، مسئول، یعنی واجد «اهلیت تحمل کیفر» باشند، و یا برعکس به علت محرومیت از بلوغ یا عقل غیر مسئول؛ یعنی فاقد این نوع اهلیت محسوب شوند. نیز طبق ماده دوم همین قانون، از جمله مؤسسات تأمینی، که دولت مکلف به تشکیل آن شده، تیمارستان مجرومان «غیر مسئول» است. در این عبارت، منظور قانون‌گذار مجرمان فاقد عقل یا دچار اختلال مشاعر است؛ زیرا بند اول ماده سوم همین قانون از جمله اقدامات تأمینی سالب آزادی را نگاهداری مجرمان «مجنون و مختل المشاعر» در تیمارستان مجرمان معرفی می‌کند. پس منظور قانون‌گذار از مجرمان «غیرمسئول» آن دسته از مرتکبان جرم هستند، که به علت جنون یا اختلال مشاعر، فاقد «اهلیت تحمل کیفر»‌اند، و در نتیجه در برابر جرمی که انجام داده‌اند، نمی‌توان آن‌ها را مجازات کرد. روشن‌تر از دو مورد یادشده، صدر تبصره ماده چهارم قانون یادشده است، که مقرر می‌دارد: «در باره "عدم مسئولیت مجرمان" و این که آیا مطلقاً یا به‌طور نسبی فاقد قوه تمییز می‌باشند، دادگاه نظر پزشک متخصص امراض روحی را جلب می‌نماید و در هر حال تصمیم نهایی با دادگاه است»؛ زیرا شرط اساسی مسئولیت کیفری در مفهوم «واقعی» و «عینی»، صدور و ارتکاب جرم است، و حال که مقنن در عبارت یادشده از «مرتکبان جرم» و «مجرمانی» یاد می‌کند که در عین حال برای آن‌ها «عدم مسئولیت» قائل است. لاجرم مقصودی جز مسئولیت کیفری در مفهوم انتزاعی خود ندارد؛ یعنی منظور کسانی‌اند که بر غم ارتکاب جرم فاقد «اهلیت تحمل کیفر» هستند؛ به‌علاوه، ماده قانونی، ملاک عدم مسئولیت آنان را فقدان مطلق یا نسبی «قوه تمییز» می‌داند، و

مسئله است که رکن و جوهر اهلیت تحمل کیفر، «تمییز» و «ادراک» متهم یا مجرم است، پس عدم مسئولیت شخص فاقد ادراک و تمییز، همانا فقدان «اهلیت تحمل کیفر» از ناحیه او خواهد بود.

در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ قانون‌گذاران ۱۳۵۲ علاوه بر تغییرات و اصلاحات قابل توجه در مواد فصل هشتم، باب اول از قانون ۱۳۰۴ و افزایش تعداد این مواد از ۱۰ ماده به ۱۲ ماده، عنوان فصل را نیز تغییر دادند، و عبارت «حدود مسئولیت جزایی» را جای‌گزین عبارت «شرایط و موانع مجازات ساخت». افزودن «ضرورت»، «مستی»، «تأدیب اطفال»، «عملیات جراحی» و «حوادث ناشی از عملیات ورزشی» به جمع سایر عوامل رافع مسئولیت جزایی از جمله تغییرات مهم دیگر در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ محسوب می‌شود. مقنن، این‌بار، به صراحت از عبارت «مسئولیت جزایی» استفاده کرده و از کلیه عوامل شخصی و موضوعی رافع مسئولیت جزایی که در خلال مواد ۳۳ تا ۴۳ این قانون آمده، با عنوان «حدود» مسئولیت جزایی تعبیر نمود.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نخستین قانون پس از انقلاب اسلامی که به کلیات و قواعد عمومی جزایی پرداخت، قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ بود. در فصل هشتم این قانون، زیر عنوان «حدود مسئولیت جزایی» و ضمن مواد ۲۶ تا ۳۴ مقنن به ذکر علل شخصی و موضوعی رافع مسئولیت جزایی مبادرت کرد. به دنبال این قانون، قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید. باب چهارم از کتاب اول (کلیات) عیناً با عنوان «حدود مسئولیت جزایی» مشتمل بر ذکر علل رفع مسئولیت جزایی (از ماده ۴۹ لغایت ماده ۶۲) و با اندکی اصلاحات، تکرار مطالب فصل هشتم از قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد واژه «مسئولیت کیفری» در مواد ۴۹ و ۵۱ ق. م. اسلامی ۱۳۷۰ که تکرار مضمون مواد ۲۶ و ۲۷ ق. راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ به شمار می‌رود، همه به معنای «اهلیت تحمل کیفر» به کار رفته، که ما از آن به مفهوم انتزاعی مسئولیت کیفری تعبیر می‌کنیم. ماده ۴۹ ق. م. اسلامی مقرر می‌دارد: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند» و در ماده ۵۱ این قانون می‌خوانیم که «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه باشد رافع مسئولیت کیفری است». در تبصره دوم همین ماده است که: «در جنون ادواری شرط رفع مسئولیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است». اشاره کردیم، که مسئولیت در مفهوم بالقوه و انتزاعی ناظر به وضعیت و

حالت ملازم با شخص است «تمییز» و «اختیار» اوصاف ملازمی است که می‌تواند در شمار عناصر تشکیل دهنده این مفهوم از مسؤولیت قرار گرفته و او را واجد «اهلیت» و «قابلیت» تحمل مجازات سازد؛ لذا در غیاب هر یک از این اوصاف نمی‌توان از قابلیت فاعل و اهلیت او در تحمل مجازات سخن به میان آورد. مقنن با توجه به نقص یا اختلالی که در قدرت درک و تمییز اطفال یا مجانین می‌بیند، اعلام می‌کند که اطفال «مبری از مسؤولیت کیفری»؛ یعنی فاقد «اهلیت تحمل کیفر» جرم ارتكابی اند و نیز مقرر می‌دارد که جنون «رافع مسؤولیت کیفری»، یعنی زائل کننده «اهلیت تحمل مجازات» از فاعل جرم است.

این توضیحات آشکارا می‌رساند که در عنوان فصل هشتم قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، «مسؤولیت جزایی» در مفهوم بالفعل و واقعی به کار رفته است؛ زیرا هر یک از علل مندرج در ذیل فصل هشتم به نحوی از «اجبار متهم به تحمل مجازات» جلوگیری می‌کند. برای مثال، زمانی که اثبات شود متهم در حال دفاع مشروع یا جنون به ارتكاب قتل مبادرت کرده، در وضعیت نخست به خاطر زوال وصف مجرمانه از عمل و در حالت دوم به خاطر وضعیت خاص شخصی، در ازای «ارتكاب قتل» «مجبور» به تحمل مجازات اعدام نخواهد بود و این یعنی این که متهم فاقد مسؤولیت کیفری (به مفهوم واقعی و بالفعل) در برابر عمل ارتكابی است. برای تحقق مسؤولیت کیفری، شخص باید واجد اهلیت کیفری باشد و این توانایی در عقل، بلوغ و اختیار خلاصه می‌شود. یعنی، تنها فرد عاقل، بالغ و مختار را می‌توان مجازات کرد و اگر یکی از این سه ویژگی در شخص وجود نداشته باشد، وی اهلیت کیفری نخواهد داشت.

ماده ۱۴۰: «مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است، که فرد حین ارتكاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد، به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵).

۶. مسؤولیت کیفری در حقوق افغانستان

۱-۶. شرایط مسؤولیت کیفری

در ماده دهم کد جزای افغانستان، که آخرین و کامل‌ترین قانون وضعی در این کشور است، شرایط مسؤولیت کیفری را این‌گونه بیان نموده است: مسؤولیت جزایی و تطبیق جزا به شخصی متوجه

می‌گردد، که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، عمل جرمی را مرتکب شود (کُد جزا: ۱۳۹۶).

اما در ماده ۸۴ این قانون چنین صراحت دارد: مسئولیت جزایی یک امر شخصی است. مسئولیت جزای زمانی به وجود می‌آید، که شخص با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، مرتکب عملی گردد که قانون آن را جرم شناخته باشد. در ماده ۹۵ این قانون سن طفل را زیر ۱۸ سال معرفی نموده است، که از آن چنین دانسته می‌شود این که سن مسئولیت کیفری کامل ۱۸ سال است (م ۸۴). در کتاب *اساس/القضات* که ترجمه متون فقهی است و در زمان خود نقش اجرایی داشت، بالای ۱۵ سال، عاقل، اختیار داشته باشد، و امر آمر و دفع تعرض ناحق نباشد، اما فرد مستحق مجازات کامل باید ۱۸ سال را تکمیل کرده باشد. کتاب *اساس/القضات/امانیه* در زمان سلطنت امان‌الله شاه افغانستان، در مسأله سوم چنین صراحت دارد: شرط اجرای حد، که قتل نباشد آن است که بر شخص صحیح‌العقل و سلیم‌البدن و هوش‌یار و توانا اجرا شود؛ زیرا مجنون و بی‌خود از نشئه و مریض و ناتوان حد جاری نشود، مگر بعد صحت و آفاقه (اساس القضات، ۱۳۰۰ هـ ش).

در زمان شاه امان‌الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹) در کنار سایر تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، برای قانون‌گذاری نیز توجه مبذول گردید، که می‌توان آن را سر آغاز قانون‌گذاری معاصر در کشور دانست، چنان که در این دوره (۷۷) نظام‌نامه مختلف تدوین، وضع و نافذ شد؛ از جمله در ساحت حقوق جزا، قواعد جدیدی وضع گردید، که در کنار قواعد شکلی (اجراءات جزایی) می‌توان از این نظام‌نامه‌ها نام برد: نظام‌نامه جزای عمومی ماه اسد سال (۱۳۰۲) هجری خورشیدی، نظام‌نامه جزای عمومی اول میزان (۱۳۰۲) هجری خورشیدی و نظام‌نامه جزای عمومی ۶ جوزای (۱۳۰۶) هجری خورشیدی؛ اما در کنار این قواعد متنی در *تمسک/القضات/امانیه* که ظاهراً قواعد شکلی یا اجراءات می‌باشد، قواعد متنی جزایی نیز به ملاحظه می‌رسد.

در دوره‌های بعدی در ساحت قواعد متنی جزا، قانون جرایم مأموران و جرایم علیه امنیت و منفعت عامه در ۲۶ قوس سال ۱۳۴۱ هجری خورشیدی و هم‌چنان قانون تعقیب و مجازات رشوت وضع گردید. بالآخره در سال ۱۳۵۵ قانون جزای افغانستان وضع و قوانین نافذ ماقبل خویش را ملغی ساخت. ناگفته نباید گذاشت، که این قانون که با انفاذ قانون جدید جزای افغانستان ملغی شد، در (۵۲۳) ماده تدوین و نافذ گردیده بود. قانون جزای سابق افغانستان، که در زمان خودش یکی از

قوانین جامع در نظام حقوقی کشور شناخته می‌شد، حدود پنج سال روی مسوده و تدقیق آن کار صورت گرفته است؛ بدین معنا، در زمانی که مرحوم محمد موسی شفیق در وزارت عدلیه سمت امور تقنینی را عهده‌دار بود، از جمله بنیان‌گذاران این طرح شناخته می‌شود. بعد از آن علما و دانش‌مندان جید حقوقی کشور، روی آن کار نمودند تا این که در عصر جمهوریت داوود خان در ۱۵ میزان سال ۱۳۵۵ در جریده رسمی نشر و نافذ گردید. با مطالعه گذرای سیر تکوین قانون جزا در کشور، اخیراً به اساس فرمان تقنینی قانون (کُد) جزای جدید افغانستان نافذ گردید. این قانون در یک جلد، که حاوی (۹۱۶) ماده می‌باشد، که به ۲۵ ثور سال ۱۳۹۶ تصویب و به شماره مسلسل ۱۲۶۰ به چاپ رسیده است و به تاریخ ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۹۶ نافذ و لازم‌الاجرا شد.

۶-۲. موانع مسؤولیت جزایی در نظام نامه جزای عمومی

افراد زیر ۱۳ سال، مجنون، معتوه، مجبور، مدافع از مال و جان خود، اجرای امر از طرف شرع یا نظام، از مجازات معاف هستند (نظام نامه جزای عمومی، قاعده ۲۳، ص ۸، ۱۷ / ۷ / ۱۳۰۲ هـ ش). در نظام نامه جزای عمومی افراد زیر ۱۵ سال، مجنون، معتوه، مجبور، مدافع از مال و جان خود در روز تا شب هنگام و روز، اما در شهر فقط شب، از مجازات معاف هستند (تعدیل نظام نامه جزای عمومی، قاعده ۲۶، ص ۹، ۳۰ / ۳ / ۱۳۰۶ هـ ش).

در نظام نامه جزای عمومی، مطبع دائره تحریرات مجلس عالی وزرا ۱۷ / ۷ / ۱۳۰۲ ماده ۲۳ نظام نامه چنین صراحت دارد که افراد دارای سن زیر ۱۳ سال مسؤولیت جزایی ندارند، و دیت شان نیز برعاقله است. در ماده ۲۴ بین ۱۳ تا ۱۵ نصف مجازات و اعدام به ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود و هم‌چنان در جزای نقدی به نصف تنزیل می‌یابد. در ماده ۲۵ هرگاه مجرم در حین انجام جرم دیوانه باشد از مجازات معاف است. در ماده ۲۶ هرگاه مجرم در حین انجام جرم رضایت نداشته از مجازات معاف است، نه احترام. نقد این است که به قانونی بودن امر قید نکرده است. در ماده ۲۷ دفع تعرض ناحق یا امر آمر نظامی و یا شارع باشد (م ۲۷، قانون جزا).

۷. مناقشه

در تحقیق این مقاله به این یافته‌ها دست پیدا کردیم که در تعریف مسؤولیت کیفری اتفاق نظر وجود ندارد، با این حال می‌توان تعریف‌های گوناگونی را برای مسؤولیت کیفری ارائه نمود:

۱. مسئولیت کیفری عبارت است از «قابلیت» یا «اهلیت»، شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود؛

۲. مسئولیت کیفری عبارت است از این که تبعات جزایی رفتار مجرمانه شخص بر او «الزام» یا «تحمیل» گردد؛

۳. «التزام» یا «مجبوربودن» شخص نسبت به تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود مسئولیت کیفری نامیده می‌شود.

به‌طور کلی مسئولیت، یعنی تعهد به پاسخ‌گویی به نتایج حاصل از عمل خود از نظر حقوق جزا. مسئولیت، یعنی تعهد به پاسخ‌گویی به نتایج ارتکاب اعمال مجرمانه، یعنی تحمل مجازات تعیین شده برای آن‌ها از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی؟ از قوانین و مقررات جزایی تنها و به‌خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بل که برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسؤول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که:

الف. وقوع رفتار مجرمانه از میل و اراده آزاد و آگاهانه مرتکب آن نشئت گرفته باشد؛

ب. عمل مجرمانه، که با اندیشه، قصد و میل مرتکب در خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوء نیت مرتکب یا ناشی از خطای او باشد؛

ج. به نظر عدالت کیفری، برای این که مجرم را مسؤول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوء نیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام‌یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد، تا بتوان او را مستحق مجازات دانست.

در نقد و بررسی باید گفت که در حقوق ایران سوء نیت یک موضوع درونی است و اثبات آن برای مستنطق دشوار می‌باشد، اما در حقوق افغانستان از تقصیر سخن به میان نیامده است، که این نقطه افتراق در تعریف مسئولیت کیفری بین نظام‌های حقوقی این دو کشور است.

در نقد یافته‌های مایان باید گفت که اگر از این قدر توجه به معمول توجه به عوامل انجام جرم یا همان جرم‌شناسی می‌شد، شاید توجه مایان جلب این موضوع می‌گردید که خطاء در عفو به‌تر از خطاء در مجازات است؛ در زمینه‌های کاهش جرم تلاش می‌نمودیم و این قدر دنبال مجازات‌نمودن انسان‌ها نبودیم و از تحمیل مسئولیت و مجازات برای تعداد زیادی جلوگیری می‌نمودیم.

۸. نتیجه گیری

از نوشتار این مقاله به این نتایج دست می‌یابیم که:

کلمه مسؤولیت در منابع ایران و افغانستان به معانی بی چون تعهد، وظیفه و پاسخ‌گویی آمده است. مسؤولیت دو نوع است؛ اول، جزایی: که متوجه فرد یا افرادی می‌شود که دارای عقل و درک باشند و مرتکب عمل خلاف قانون شوند.

مسؤولیت جزای در اسلام مسؤولیت جزایی تنها برای انسان قابل تصور است، چون کسی که از روی آگاهی و اختیار مرتکب عمل حرامی یا خلاف قانون شود مسؤولیت جزایی بر آن مرتب خواهد شد؛ یعنی انسان باید نتایج اعمال نامشروع خود را که از روی اختیار و با درک معانی و نتایج آن اعمال انجام می‌دهد، تحمل نماید.

مسؤولیت کیفری در قوانین وضعی به «اهلیت تحمل کیفر» نام گرفته شده است. در ایران تحول در جرایم تعزیری و حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ کتاب‌های دوم، سوم و چهارم را بالترتیب به احکام حدود، قصاص و دیات اختصاص داده است. با پذیرش مسؤولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه‌بندی جرایم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم. این تحولات در دو بخش جرایم تعزیری و حدود و قصاص قابل توجه است، اما در افغانستان جرایم حدود و قصاص ثابت بوده، اما در جرایم تعزیری به جنایت^۳، جنحه^۴ و قباح^۵ تقسیم شده است (کُد جزا مواد ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱۳۹۶).

مسؤولیت کیفری بزرگسالان، صغار و نوجوانان، اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و افغانستان دارای تحول بوده است. از جمله تحولات اخیر مسؤولیت کیفری به رسمیت شناختن مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی بوده، و درباره سن مسؤولیت کیفری نوجوانان، در تعزیرات تا پایان ۱۸ ساله‌گی مسؤولیت کیفری فرد کامل نمی‌گردد.

از قرن ۱۸ به بعد و به موازات اهمیت یافتن شخصیت فرد در جامعه، در علوم جنایی نیز انسان بزه‌کار و شخصیت وی به‌عنوان یک معما مطرح و شناخت شخصیت بزه‌کاران به یکی از نگرانی‌های در حوزه مسؤولیت کیفری و سیاست‌گذاری‌های کیفری مبدل شده است. از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۹۶

^۳ جنایت جرمی است، که جزای آن در این قانون اعدام، حبس ابد، حبس دوام و یا حبس طولی تعیین شده باشد.

^۴ جنحه جرمی است، که جزای آن در این قانون حبس متوسط، حبس قصیر، بدیل حبس یا جزای نقدی تعیین شده باشد.

^۵ قباح جرمی است، که برای آن در این قانون صرف جزای نقدی تعیین شده باشد.

مسئولیت کیفری در افغانستان شاهد تحولاتی بوده است، که در نظامنامه جزای ۱۳۰۰ برای تحمیل مسئولیت کیفری این شرایط را لازم دانسته: صحیح‌العقل، سلیم‌البدن، هوش‌یار و توانا بودن، درحالی‌که کُد جزای مصوب ۱۳۹۶ این شرایط را، که مرتکب باید دارای اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک باشد.

قابل ذکر است که موضوع مسئولیت کیفری معین شده توسط قوانین موضوعه؛ در این اواخر با حاکمیت امارت اسلامی تمام مقررات کیفری در افغانستان را ملغا اعلان نموده‌اند، و در محاکم به فقه احناف متمسک هستند.

ORCID

Abdulkhaleq Haqani

 <https://orcid.org/0009-0003-5534-2200>

Mehdi Sabouripour

 <https://orcid.org/0000-0002-3308-1578>

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۷). کلیات حقوق جزا. چ ۴. ایران: تهران. نشر میزان.
۳. جعفری لنگرودی، جعفر. (۱۳۶۲). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. چ ۳. تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
۵. صاعی، پرویز. (۱۳۸۴). طرح مقدماتی حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانش‌گاه تهران.
۶. عمید، حسن. (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. لوی‌برول، هانری؛ کوویلیه، ارمان؛ و گورویچ. (۱۳۸۸). حقوق و جامعه‌شناسی. ترجمه سیدابوالفضل، قاضی شریعت‌پناهی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. متین، نیلوفر. (۱۳۸۲). «مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها در کاهش بلایای طبیعی» (تجاری از بنگلادش). ایران: مجله رفاه اجتماعی. ۳(۱۱). صص ۲۰۷-۲۱۴. SID. <https://sid.ir/paper/418812/fa>
۹. محقق هرچقان، علیرضا. (۱۳۹۰). سن مسئولیت کیفری از منظر جرم‌شناسی. تهران: دادگستر.
۱۰. مصباح یزدی. محمد تقی. (۱۳۹۳). دروس فلسفه اخلاق. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۱. معظمی، شهلا. (۱۳۸۸). بزه‌کاری کودکان و نوجوانان. تهران: دادگستر.
۱۲. معلوف، لوئیس. (۱۹۷۶). المنجد فی اللغة و الاعلام. بیروت: چاپ‌خانه شرقیه.
۱۳. معین، محمد. (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی معین. چ ۳. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۴. میرسعیدی، سید منصور. (۱۳۸۶). **مسئولیت کیفری**. ج ۱. چ ۲. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۵. میرسعیدی، سیدمنصور. (۱۳۸۳). **مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان**. تهران: نشر میزان.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). **تقریرات درس جرم شناسی**. (حمید، بهره‌مند؛ و محمد، صادری). تهران: دانش‌گاه امام صادق.
۱۷. نعیمی، لیلا. (۱۳۸۲). «**مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف**». ایران: مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). ۸(۳۲). ۰-۰. SID. <https://sid.ir/paper/441528/fa>
۱۸. نفیسی، علی اکبر. (۱۳۱۷). **فرهنگ نفیسی**. ج ۵. تهران: انتشارات ناظم الاطباء.
۱۹. ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۳). **حقوق جزاء (مسئولیت کیفری)**. چ ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲ ه ش.
۲۱. قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ ه ش.
۲۲. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲ ه ش.
۲۳. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ه ش
۲۴. قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ ه ش.
۲۵. کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶ ه ش.
۲۶. قانون جزاء افغانستان. جریده رسمی. شماره ۱۴۱۶. کابل: مطبعه بهیر. ۱۳۵۵ ه ش.
۲۷. قانون مدنی، افغانستان، جریده رسمی. وزارت عدلیه، کابل: مطبعه بهیر، ۱۳۵۵ ه ش.
۲۸. نظام‌نامه جزای عمومی، افغانستان. ۱۳۰۲/۷ ه ش.

References

1. Holy Quran. (Arabic)
2. Ardabili, Mohammad Ali. (2017). General criminal law. Ch4. Iran Tehran. Publication of Mizan.(in Persian)
3. Jafari Langroudi, Jafar. (1983). Legal terminology. Ganj Danesh publishing house. (in Persian)
4. Dekhoda, Ali Akbar. (1994). Dekhoda dictionary. C3. Tehran: Tehran University Press. (in Persian)
5. Sanei, Parviz. (2005). Preliminary design of general criminal law. Tehran: Faculty of Law and Political Sciences Publications of Tehran University. (in Persian)
6. Omid, Hassan. (1983). Amid's Persian culture. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)
7. Levi-Brol, Henry; Covillier, Arman; and Gurevich. (2009). Law and sociology. Translated by Seyyed Abulfazl, Qazi Shariat Panahi. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)
8. Mateen, Nilofer. (2003). "Corporate social responsibility in reducing natural disasters (experiences from Bangladesh)". Iran: Social welfare magazine. 3(11). pp. 207-214. SID. <https://sid.ir/paper/418812/fa>(in Persian)

9. Mohaghegh Harchaghan, Alireza. (2011). The age of criminal responsibility from the perspective of criminology. Tehran: Judge. (in Persian)
 10. Misbah Yazdi. Mohammad Taghi. (2013). Moral philosophy courses. Tehran: Information Publications. (in Persian)
 11. Moazzami, Shahla. (2009). Delinquency of children and adolescents. Tehran: Judge. (in Persian)
 12. Maalouf, Louis. (1976). Al-Munjad in Al-Laghe and Al-Alam. Beirut: Eastern Printing House. (in Persian)
 13. Moin, Mohammad. (1993). Certain Persian culture. C3. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)
 14. Mirsaeidi, Seyyed Mansour. (2007). Criminal liability. C1. Ch2. Tehran: Mizan Legal Foundation. (in Persian)
 15. Mirsaeidi, Seyedmansour. (2004). Criminal responsibility, pen and elements. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
 16. Najafi Abrandabadi, Ali-Hosseini. (2014). Presentations of criminology course. (Hamid, Behramand; and Mohammad, Sadari). Tehran: Imam Sadeq University. (in Persian)
 17. Naimi, Leila. (2003). "Criminal responsibility of children from the point of view of different schools". Iran: Fiqh and Family Law Journal (Nadai Sadegh). 8(32). 0-0. SID. <https://sid.ir/paper/441528/fa>(in Persian)
 18. Nafisi, Ali Akbar. (1938). Exquisite culture. C5. Tehran: Nazem al-Atba Publications. (in Persian)
 19. Walidi, Mohammad Saleh. (2004). Criminal law (criminal liability). Ch2. Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)
 20. The Constitution of Afghanistan, approved in 2003 AH. (in Persian)
 21. Security measures law approved 1960 AH. (in Persian)
 22. Islamic Penal Code of Iran, approved in 2012. (in Persian)
 23. General Penal Law approved in 1925 AH(in Persian)
 24. Amended General Punishment Law 1973 AH. (in Persian)
 25. Criminal Code of Afghanistan approved in 2016. (in Persian)
 26. Penal Code, Afghanistan. official journal No. 1416. Kabul: Bahir Press. 1976. AH. (in Persian)
 27. Civil Law, Afghanistan, Official Gazette. Ministry of Justice, Kabul: Bahir Press, 1976 AH. (in Persian)
 28. General Penal Code, Afghanistan. 7/1302 AH. (in Persian)
-
-